

آری آن چه بر رفتار ایشان در مجال حاضر وارد است دو چیز است:

۱. قبلا ثابت شد که نفس وجوب عمل در هیچ فرضی مانع از جواز اخذ اجرت نیست.
۲. ایشان در برخی مجالات^۱ اخذ اجرت بر واجباتی مثل قضا را جایز می دانند.

ادامه تتبع با نقلی دیگر از صاحب عروة الوثقی در ذیل کلامی از شیخ انصاری و طرح دو دیدگاه

صاحب عروة الوثقی در ذیل کلام شیخ انصاری در کتاب المکاسب^۲ که فرموده است «نعم یستثنی من الواجب الکفائی (استثنا از جواز اخذ اجرت) ما علم من دلیله صیرورة ذلك العمل حقا للغير یستحقه من المکلف، كما قد یدعی ان الظاهر من ادلة وجوب تجهیز المیت: ان للمیت حقا علی الاحیاء فی التجهیز فکل من فعل شیئا منه فی الخارج فقد اذی حق المیت فلا یجوز اخذ الاجرة علیه. وكذا تعلیم الجاهل احکام عباداته الواجبة علیه و ما یحتاج الیه، کصیغة النکاح و نحوها. لکن تعیین هذا یحتاج الی لطف قریحة».

فرموده است:

«ان مجرد هذا لا یکفی بل لا بد من فهم المجانية و معه لا فرق بین کونه حقا او حکما، بل وجوبا او استحبابا، عینیا او کفائیا او تخییریا».^۳

بررسی و نقد

در دو نقل فوق، بر دو عنصر به عنوان عناصر مقتضی حرمت اخذ اجرت تأکید می شود:

- حق انگاری عمل برای بهره مند از عمل؛
- مجان انگاری انجام عمل.

در متن اول بر کفایت عنصر اول تأکید شده و در متن دوم بر عدم کفایت آن و لزوم رسیدن به انگاره دوم.

نقد دیدگاه منافات حق بودن با جواز اخذ اجرت و اخذ مجانیت در برخی کارها

از آن چه گذشت ثابت گردید که صرف عنصر اول کافی نیست هرچند مکلف نمیتواند به بهانه نبود اجرت از انجام وظیفه خودداری کند. به عبارت دیگر شرط تکلیف اخذ اجرت نیست و وجوب تکلیف مطلق است لکن اخذ اجرت هم جایز است و بهره مند یا ولی او باید اجرت کار مکلف را بپردازد. پس مثل پزشک یا بیمارستان نمیتواند از پذیرش مریض محتاج به درمان خودداری کند لکن مریض یا اولیای او باید اجرت پزشک یا بیمارستان را بپردازند.

به علاوه بر فرض که حق پنداری موجب حرمت اخذ اجرت شود، اخذ آن را از بهره مند از حق و متولیان شخصی کار بهره مند، حرام می سازد اما این که از بیت المال به عنوان اجرت و جعل پرداخت شود را حرام نمی کند و حرمت آن دلیل دیگری می طلبد. البته عنصر دوم (مجان انگاری انجام عمل) مثبت حرمت خواهد بود، لکن تمام کلام در طریق فهم این عنصر است به گونه ای که بتوان از درون آن فتوا به حرمت داشت!

بر این همه، باید افزود که انتظام امور مردم در جوامع پیچیده و بزرگ و تأمین مصالح ایشان به نحو احسن، مجال مجان انگاری یا ارتزاق از بیت المال را می بندد. مثلا از مثال های بارز انجام مجانی: تجهیز میت است در حالی که این قبول است که میت مسلمان باید در کمال احترام تجهیز و دفن گردد، لکن نمی توان کار را به داوطلبان علی وجه المجانية یا علی وجه الارتزاق از بیت المال واگذار کرد، بلکه باید نهادهای مدنی حکومتی یا مردمی عهده دار کار شوند، کار را به نحو احسن در اسرع وقت انجام دهند و البته اجرت مقرر خود را دریافت کنند. واضح است که بودن اجرت بر غیر بهره مندان مباشر از کار اولی و احوط است لکن بحث در اولویت و احتیاط نیست.

۱. ر.ک: (ملحقات) العروة الوثقی، ج ۳، ص ۱۹، مساله ۱۷.

۲. ج ۲، ص ۱۴۳.

۳. حاشیة المکاسب، ج ۱، ص ۲۸؛ همچنین ر.ک: ارشاد الطالب، ج ۱، ص ۲۹۳.

ارتزاق از بیت المال و امثال این کارها، حرکات شکلی است که نمیتوان جامعه را با آن اداره بهینه نمود.

اخذ اجرت بر اذان / تتبع در متون

در نقل اول از صاحب عروة گذشت که ایشان اجازه بر اذان را غیر مشروع می شمارد. لکن در باب خود از آن تفصیلی به قرار ذیل، به منصفه ظهور می رساند. توجه کنید:

«لا يجوز اخذ الاجرة على اذان الصلاة و لو اتي به بقصدها بطل. و اما اذان الاعلام فقد يقال بجواز اخذها عليه؛ لکنه مشکل، نعم لا باس بالارتزاق من بيت المال».^۴

نقد و بررسی

متن فوق در حد وسیع مورد اقبال و اعراض قرار گرفته است.

مثلا محقق حکیم در ذیل فقره اول متن فوق، می فرماید:

«على المشهور. بل في المختلف: نسبته الى فتوى الاصحاب». وی سپس به ادله مشهور می پردازد که سه روایت و تنافی قصد اجرت با قصد امتثال باشد و در پایان به وجهی به صاحب جواهر اشاره می کند؛ بدین قرار:

«...من عدم صحة النيابة في الاذان الصلّاتي، لظهور ادلة مشروعيتها في كون الخطاب به - كخطاب الصلاة و قنوتها و تعقيبها - يراد منه المباشرة من المكلف ، فلا تصح الاجارة عليه». مرحوم حکیم بر همه وجوه اشکال دارد. وی به طریق اولی اخذ اجرت بر اذان اعلام را جایز می داند؛ به ویژه این که می فرماید: «لما عرفت من عدم كونه عبادة عندهم». البته این را هم دارد:

«نعم اذا جيء به على انه عبادة امتنع اخذ الاجرة عليه على ما عرفت».^۵ فتامل.

نکته در مشروعیت اذان اعلام

استطرادا باید توجه کرد که در متن فوق و تعلیقه آن، به حسب ظاهر عبارت، دوگانگی اذان اعلام و اذان صلاتی و مشروعیت هر کدام مسلم انگاشته شده است، و این در حالی است که مشروعیت اذان اعلام جدا از اذان صلاتی محل بحث و گفتگو است، هر چند صاحب عروه به «مشروعیت هر دو معتقد است»^۶ لکن در مقابل این باور اندیشه هابی هم داریم که می گوید:

- «تعدد الاذان و كون اذان الاعلام غير اذان الصلاة لم يثبت؛ فالاحوط لمن يريد الاعلام ان يؤذن و يصلى بعده»؛
- «يعني يستحب الاذان اول الوقت و ان لم يرد الصلاة و اما اذا اراد الصلوة اول الوقت فاستحب الاتيان باذنين : احدهما للاعلام و الآخر للصلوة محل تامل ، فالاحوط حينئذ الاكتفاء بواحد او قصد الرجاء فيهما».^۷

۴. العروة الوثقى، ج ۱، في مستحبات الاذان و الاقامة، ص ۶۱۲، مساله ۹.

۵. مستمسک العروة الوثقى، ج ۹، صص ۲۷۶-۲۷۹.

۶. العروة الوثقى، ج ۱، في الاذان و الاقامة، ص ۶۰۲.

۷. همان، پاورقی.